



مرکز مجاز امام صادق (ع)

اصول الفقه (عام و خاص)

مقدمات حکمت ۲

جلسه ۱۴۷

استاد نجار زاده

مقدمات حکمت:

اگر در جائی شك کنیم متکلم در مقام بیان حکم بوده یا در صدد اهمال گوئی است، اصل عقلائی مقتضی است کلامش را بر بیان حکم حمل کنیم؛ زیرا عقلاء، متکلم را در وقت سخنوری و تکلم، بر اینکه در مقام بیان و تفهیم مقصودش است حمل نموده؛ نه آنکه صرفاً کلامی مهمل اداء نموده است.

به هر تقدیر، وقتی این مقدمات سه‌گانه فراهم آمد؛ در صورتی که کلام مجرد از قید ذکر شد؛ از ظاهرش می‌توان اطلاق فهمید و آن را کاشف از این قرار داد که متکلم، مقید را اراده نموده است؛ زیرا اگر بحسب واقع، آن را اراده داشت، بر وی لازم بود که بیان نماید؛ زیرا فرض آن است که متکلم حکیم بوده و در کلامش قصد جدی داشته و در مقام هزل و شوخی نیست؛ مضافاً به اینکه در مقام بیان نیز می‌باشد؛ از آن گذشته فرض آن است که هیچ مانعی از تقیید نیز وجود ندارد؛ از این رو وقتی بیان نمود و کلامش را مقید نکرد؛ پس دانسته می‌شود که قصد وی از کلام، اطلاق است و در غیر این صورت، به غرض اخلال وارد نموده.

پس هر کلامی که برای تقیید صلاحیت داشته و متکلم آن را مقید نسازد؛ در صورتی که وی شخص حکیم و ملتفت بوده و قصد جدی داشته و در مقام بیان و تفهیم مقصودش باشد؛ کلامش ظاهر در اطلاق بوده و آن هم بر متکلم و سامع حجت است.

تنبيه اوّل: قدر متیقّن در مقام تخاطب

مرحوم محقق صاحب کفایه به مقدمات حکمت که گذشت مقدمه دیگری اضافه فرموده و آن این است که: در مقام تخاطب، قدر متیقّن در بین نباشد؛ اگرچه وجود قدر متیقّن خارجی در تمسک به اطلاق ضرری وارد نمی‌کند.